

## مناظره و امنیت ملی؛ کارکردها و چهارچوب‌ها

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۲/۲۹

مرتضی مطهری<sup>۱</sup>

سید محمد مهدی میرجلیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

امنیت ملی از مفاهیم رایج در علوم اجتماعی می‌باشد. که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. امنیت ملی بر ارکانی استوار است که یکی از این ارکان مشروعیت مردمی حکومت و دولت است. نمود این امر در مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم پدیدار می‌گردد. این مهم محقق نمی‌شود مگر با آگاهی افکار عمومی از شرایط جامعه که این آگاهی زمینه‌ای برای احساس مسئولیت و مشارکت فراهم می‌آورد. مناظره و گفتگوی آزاد اندیشانه در صورت مقید شدن به اصول و چارچوب‌های علمی می‌تواند منجر به مشارکت مدنی و مردمی در سطح خرد و کلان گردد. واژگان کلیدی: امنیت ملی، آگاهی سیاسی، مشارکت عمومی، مناظره.

۱. کارشناسی ارشد فقه سیاسی دانشگاه قم

۲. دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه باقر العلوم

## مقدمه

بررسی تاریخی زندگی بشر، نشان دهنده اهمیت امنیت ملی برای هر جامعه‌ای بوده است. در هر دوره‌ای بر اساس شرایط، حدود و ابزارها، در زمینه حفظ امنیت اختلاف برداشت وجود داشته است. امروزه امنیت در زندگی فردی و اجتماعی افراد و جامعه سیاسی از جمله مسائل حیاتی به شمار می‌آید، تا جایی که عده‌ای امنیت ملی را پیش شرط تأمین سایر اهداف ملی می‌دانند (جمشیدی، ۴۳). از سوی دیگر، امنیت ملی حیاتی‌ترین اولویت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و در تعامل مستقیم با استراتژی ملی قرار دارد. بالاترین سطوح علایق امنیت ملی، پایه‌های یک استراتژی سالم را تشکیل می‌دهند (کالینز، ۲۱) - <http://lib.eshia.ir/۴۶۳۴۴/۱/۷> - [\\_ftn۷\(۲۱\)](#) مفهوم «امنیت» همواره از موضوعات مورد بحث اندیشمندان از آغاز دروه شکوفایی یونان باستان تا عصر حاضر بوده و هر یک به گونه‌ای استقرار امنیت و تضمین آن از سوی حکومت‌ها را برای تحقق عدالت و اجرای قوانین ضروری دانسته‌اند. این نوشتار به بررسی این موضوع می‌پردازد که نسبت امنیت ملی با مشارکت مردمی و آگاهی چیست؟ گفتگوچه نقشی در تحقق امنیت ملی دارد؟

## امنیت ملی

امنیت ملی در جهان امروز مفهوم پیچیده‌ای است (ماندل، ۴۳). این واژه در قرن بیستم وبه ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است. امنیت ملی توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی تعریف می‌شود. *دانش‌نامه بین‌المللی علوم اجتماعی*، امنیت ملی را «توان یک کشور در حفظ ارزش‌های خودی در برابر تهدیدهای خارجی» (لیمن، ۵) و یا «احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های ملی و ترس از خطر جدی خارجی نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور» تعریف کرده است (بهزادی، ۱۰۱). محمد ایوب معتقد است که مفهوم سنتی امنیت ملی کاربرد خود را از دست داده است. وی بر عوامل داخلی امنیت توجه خاصی داشته و بر تفاوت معضلات و نگرش امنیتی کشورها تاکید می‌کند و معتقد است که تفسیر شمالی‌ها از امنیت به نحوی است که ناامنی جنوبی‌ها از آن متبادر می‌شود و برعکس. در

واقع امنیت جنوب، ناامنی شمال و امنیت شمال، ناامنی جنوب تلقی می‌شود (محمدایوب، ۲۱۳). در دیدگاه اسلامی، می‌بایست امنیت ملی را در سایه اقتدار، استقلال، دانایی و توانایی، ارتباطات قوی و سازنده امت اسلامی در کلیه ابعاد و زوایا و ایستادگی در برابر یورش و توطئه و تهدید دشمن و بیگانگان و بیگانه پرستان و نفوذ ایادی شیطانی آنان پیگیری کرد. امروزه هر کشوری در تامین امنیت ملی، باید به مقابله با انواع تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، رسانه ایی بپردازد. آنچه در نزد اندیشمندان مشترک است این است که، امروزه امنیت ملی هر جامعه در سایه تدابیر حکومت و حمایت و پشتیبانی مردم محقق می‌شود.

### مشارکت سیاسی مردمی

یکی از عناصر مهم توسعه‌ی سیاسی، مشارکت سیاسی مردم است. مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. همچنین این مفهوم به معنای تلاش شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت است (آقابخشی، ۲۵). در واقع مشارکت سیاسی نوعی تظاهر علنی اراده مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است. فقط از طریق مشارکت است که قدرت سیاسی به طریق مسالمت‌آمیز دست به دست می‌گردد و میزان توسعه سیاسی یک کشور بستگی مستقیم به این مؤلفه دارد (کاظمی، ۱۰۱). [http://lib.eshia.ir/۴۶۳۴۴/۱/۷\\_-\\_ftn۴](http://lib.eshia.ir/۴۶۳۴۴/۱/۷_-_ftn۴) همچنین مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اراده جامعه و تعریف مصالح عمومی است (علیخانی، ۶۳). مشارکت سیاسی آن هم به صورت آگاهانه و فعالانه سرمایه‌گران بهایی است که ضامن بقا و عامل مصونیت هر نظام حکومتی به شمار می‌آید. اکثر نظریه‌ها بر همبستگی مثبت بین مشارکت افراد در تصمیم‌گیری‌ها و بالا رفتن کیفیت و کارایی تأکید می‌ورزند. پژوهش‌های انجام شده (طوسی، ۴۵) نشان دهنده همبستگی معنی‌دار بین مشارکت افراد در امور اجتماعی و اثربخشی و کارایی آنان است. مشارکت در ابعاد مختلف اجتماعی سیاسی خلاقیت را افزایش می‌دهد، از آسیب‌های

روانی و اجتماعی می‌کاهد و سرانجام موجب افزایش رضایت افراد می‌شود و در آنها احساس مسؤلیت به وجود می‌آورد. در تعریف مشارکت سیاسی گفته شده است: «مشارکت سیاسی رفتاری است که برنتایج و تصمیمات حکومتی اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری دارد» (مصفا، ۲۱). برای مشارکت سیاسی سه اصل بنیادی در نظر گرفته شده است:

۱. سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار؛

۲. وارد کردن اقشار مختلف مردم در امر نظارت و تصمیم‌گیری بر سرنوشت خویش؛

۳. بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه (مجله فرهنگ مشارکت ۶۵). مشارکت به مفهومی که امروزه کم و بیش متداول است، در زندگی جوامع انسانی پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود. تا یکی دو قرن پیش، حق مشارکت در اخذ تصمیم سیاسی و حتی حق رأی به گروه کوچکی از مردم که دارای امتیازات خانوادگی، ثروت و قدرت بودند، تعلق داشت. با این که در قرون وسطی افزایش نسبی در تعداد تصمیم‌گیرندگان به وجود آمد، اما اکثریت مردم از مشارکت سیاسی محروم بودند و تنها نوع مشارکت سیاسی توده مردم، شرکت در شورش‌های دهقانی یا تظاهرات و آشوب در شهرها بود (مصفا، ۱۶). در پی انقلاب صنعتی، ظهور عصر روشن‌گری و آرایه‌آرا و عقاید اندیشمندانی مانند جان لاک، روسو و منتسکیو درباره دولت، حاکمیت، مجالس مقننه، حکومت‌های مشروطه، دموکراسی و جمهوری که همه در برابر حکومت‌های فئودالی مطلقه اروپایی عنوان شدند، زمینه‌های مشارکت مردمی پدید آمد. به تدریج گروه‌ها و قشرهای جدید و بیشتری خواهان اثرگذاری بر روی سیاست شدند. در قرن نوزدهم و بیستم، مشارکت در عمومی‌ترین شکل آن برحسب تساوی حقوق و مشارکت همگانی و حق رأی، تعمیم یافت.

رابرت دال، مشارکت سیاسی را به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال تعریف می‌کند که شهروندان حقیقی به وسیله آن اعمال در جست‌وجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی هستند (فصلنامه علوم سیاسی، ۴۶) تعریف ارایه شده دو سوی «رقابت» و «حمایت» را به عنوان دو زیر مجموعه شاخص مشارکت سیاسی تلقی می‌کند. به نظر دال فعالیت‌ها و اعمالی که در جهت نفوذ یا رقابت با حکومت هستند، از عناصر مهم مشارکت سیاسی است و اگر نظام سیاسی

فقط خواهان حمایت توده‌های مردم از تصمیمات خود باشد و تنها چنین فعالیتی را مجاز بشمارد، از مفهوم واقعی «مشارکت سیاسی» دور شده است. مایکل راش، انواع گوناگون فعالیت‌ها و مشارکت سیاسی را به صورت سلسله مراتب نشان می‌دهد و معتقد است که هرچه سطح یک فعالیت مهم‌تر و بالاتر باشد، میزان مشارکت که برحسب تعداد افراد درگیر در یک فعالیت معین سنجیده می‌شود، کم تر است. سلسله مراتب مشارکت سیاسی از دیدگاه راش به ترتیب نزولی به قرار زیر است:

۱. داشتن مقام سیاسی؛ ۲. جست‌وجوی مقام سیاسی؛ ۳. عضویت فعال در یک سازمان سیاسی؛ ۴. عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی؛ ۵. مشارکت در اجتماعات عمومی (تظاهرات و...)
۶. عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی؛ ۷. عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی؛ ۸. مشارکت در بحث‌های سیاسی (به طور غیررسمی)؛ ۹. اندکی علاقه به سیاست؛ ۱۰. رأی دادن (راش، ۱۲۶).

مشارکت سیاسی به مفهوم فوق، در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آغاز شد. با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت. نظامی که پایه و مبنای آن را اسلام و رأی مردم تشکیل می‌دهد. دموکراسی به معنی مردم سالاری واقعی و مشارکت دخالت‌جویانه مردم در سرنوشت خویش را در تفکر حضرت امام خمینی به وضوح می‌توان دید، ایشان معتقد بود: «مردم تصمیم‌گیران نهایی تمام مسائل اند» (صحیفه امام خمینی، ۱۵۹/۱۶). در جمهوری اسلامی نیز می‌توان عرصه‌ها و شاخص‌های مشارکت مردم را به طور اجمالی در نظرگاه سیاسی امام برشمرد، که موارد زیر مورد نظر ایشان هستند:

انتخابات؛ حفاظت و پاسداری از نظام سیاسی جامعه و حکومت؛ یاری در جهت حل مشکلات حکومت و نظام سیاسی؛ نظارت بر حکومت و نهادهای آن و برخورد با خطاها و تخلفات؛ تعالی بخشیدن به اسلام و تحقق مقاصد این دین در جهان؛ (مردم سالاری دینی، ۱۸۵/۲). آنچه از مطالب بالا مشهود است این است که مشارکت مردم در همه شئون جامعه هم در صلاحیت آنان و هم حق آنان است و استحکام، ثبات و امنیت ملی هر حکومتی بدون آن در هاله‌ای از ابهام خواهد بود.

## نسبت مشارکت مردمی و آگاهی افکار عمومی

اندیشمندان علوم اجتماعی برای تبیین مشارکت سیاسی افراد، عواملی را مطرح کرده اند:

۱. هرگاه شخصی بین شقوق پیش روی خود تفاوت‌های بارزی احساس نکند، در نتیجه کم‌تر به سیاست خواهد پرداخت و بنابراین میزان درگیری او در امور سیاسی کاهش می‌یابد. مانند زمانی که تمام نامزدهای انتخابات از یک جناح خاص سیاسی باشند و از نامزد شدن افرادی که دیدگاه متفاوتی دارند و یا وابسته به جناح رقیب هستند، جلوگیری شود.
۲. اگر مردم در ارزیابی‌های خود پاداش حاصله از درگیری‌های سیاسی را کم‌تر از دیگر فعالیت‌ها ارزیابی کنند، حتماً خود را کم‌تر درگیر عمل سیاسی می‌کنند؛ چنانچه هزینه مشارکت سیاسی، هزینه بالایی باشد باز هم درجه مشارکت سیاسی کاهش می‌یابد.
۳. هرگاه شخص فکر کند دانش و آگاهی او محدودتر از آن است که بتواند با داخل شدن در سیاست به کارایی کافی برسد ترجیح می‌دهد که کم‌تر در آن مشارکت کند. احساس این که سیاست را خوب نمی‌فهمد موجب می‌شود حتی‌الامکان از سیاست خود را دور نگه دارد (دال، ۸۸).

موارد بالا به طور مستقیم با عدم آگاهی نسبت به اهمیت مشارکت و کیفیت مشارکت در ارتباط است. اساساً هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی به صورت بحث درباره مسائل مربوط و یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوطه قرار داشته باشد، احتمال مشارکت سیاسی و اجتماعی وی بیشتر می‌شود. براساس نظریات فوق، فرضیه‌ای طی پژوهش‌های متعدد به این شکل مطرح شد «بین میزان آگاهی سیاسی افراد با میزان مشارکت آنها رابطه مستقیمی وجود دارد» (نیکزاد، ۶۶).

## پیوند امنیت ملی و مشارکت مردمی

به طور کلی، مشارکت سیاسی مبتنی بر «حق» است و ابتدای این حق نیز بر اساس ماهیت اجتماعی زندگی امروزه‌ی انسان‌ها در یک جامعه است. این امر به طور مستقیم با بحث هم بستگی ملی و سپس تأمین امنیت داخلی یک کشور مرتبط است. امروزه امنیت ملی کشورها، یعنی واقع شدن در وضعیتی که بتوان از حساسیت و آسیب‌پذیری ارکان نظام در مواجهه با

تهدیدات داخلی و خارجی فروکاست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دلیل این اهمیت از یک سو متأثر از تحولات داخلی و افزایش سطح آگاهی‌های عموم و از سوی دیگر، گوناگونی تهدیدات در صحنه‌ی روابط خارجی است. مشارکت مردمی راهی به سوی فعال نمودن نیروی عظیم توده‌ای است که در جریان مشارکت، موجبات آگاهی مردم از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم می‌شود. به طور طبیعی، مشارکت می‌تواند بیگانگی اجتماعی را به حداقل برساند و مانع ایجاد هر گونه اثرات منفی روانی و فکری در مردم مانند بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی، تک‌روی، نبود تعاون و توجه به منافع شخصی شود و درمقابل، موجبات تقویت توسعه‌ی هم‌بستگی ملی را، به مثابه‌ی مهم‌ترین پایه‌ی امنیت داخلی، فراهم می‌نماید.

بی‌شک نظام اجتماعی سیاسی، حاصل توافق افراد بر ارزش‌های مشترک، به منظور نیل به پیشرفت و دستیابی به اهداف مشترک است؛ چنان‌که توسعه‌ی انسانی در صدر اهمیت آن قرار دارد. بنابراین در استقرار سازوکارهای امنیت ملی پایدار و در تبیین ضرورت پرداختن به امنیت معطوف به اقتدار فرهنگی، نقش مردم بیش از هر مؤلفه‌ی دیگری حائز اهمیت است؛ چرا که برآیند مطلوب هر نظام سیاسی، که چگونگی فضای امنیتی جامعه نیز متأثر از آن است، عبارت از میزان رضایتی است که آحاد مردم از عملکرد آن نظام در تعامل با محیط پیرامونی دارند. در شرایطی که سازوکارهای فرهنگی افزایش آگاهی مردم و به تبع آن مشارکت آنان فراهم باشد، زمینه‌ی بسط و توسعه‌ی آیین‌های مدنی، باورهای مشترک و پیشگیری از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی فراهم می‌شود و با تولید و بازتولید ارزش‌های انسانی در جامعه، بالتبع سایر ارزش‌های حیاتی، که منافع ملی، اهداف ملی و امنیت ملی ترجمان آن هستند، تضمین خواهد شد. در غیر این صورت، با ایجاد گسست در مبانی اجتماعی و سیاسی و باورهای عمومی، که نتیجه‌ی عدم پیوند و تعامل بین مردم و دولت است، امنیت ملی نیز در مقابل انواع آسیب‌ها شکننده خواهد بود؛ در واقع حساسیت‌هایی که می‌باید به طور متعارف و طبیعی حل و فصل گردد، به تهدیدی مبدل می‌شود که کل نظام را با مخاطره‌ی جدی روبه‌رو می‌سازد. امام خمینی معتقد بود:

«آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و هم‌گامی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (صحیفه‌ی امام خمینی، ۴/ ۲۴۸). لذا باید

با سازوکارهای منسجم نخست مشروعیت نظام برای همگان اثبات شود، دیگر اینکه در فرآیند افزایش آگاهی وظایف و اهمیت این وظایف و کیفیت آن روشن گردد. تنها در این صورت است که امنیت ملی دارای ثبات خواهد شد و مردم مانند یک دستگاه هشدار دهنده ضعف‌های حکومت و جامعه را رفع خواهند کرد. اکنون که روشن شد آگاهی افکار عمومی تاثیر مستقیم بر مشارکت آنان در امور اجتماعی و سیاسی دارد و این مشارکت در تحقق زیر ساختهای امنیت ملی موثر است، گفتنی است که یکی از تدابیر در راستای افزایش آگاهی مردم، برگزاری مناظرات آزاد اندیشی است.

### کارکردهای مناظره

مناظره اگر پیرامون امور مهم و اساسی صورت گیرد و نسبت به سایر مسائل در اولویت قرار داشته باشد و به وقایع مهم دینی، سیاسی و اجتماعی اختصاص یابد و نه یک امر جزئی و پیش پا افتاده را (چرا که در غیر این صورت موجب اتلاف وقت، صرف هزینه‌های بی مورد و هدر رفتن نیرو می‌شود) می‌تواند کارکردهای فراوانی داشته باشد. در حکومت اسلامی در صورتی که مناظره کنندگان با هدفی الهی و خالص و دارا بودن کفایت علمی لازم به مناظرات بپردازند قطعاً می‌توانند شبهات مخاطبان را که دارای ضعف فکری و عقیدتی هستند، رفع کنند و مصداق کسانی باشند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کنند. در واقع اگر مناظره کنندگان آداب مناظره را رعایت کند و آفات و نتایج سوء مناظره نادرست را شناسایی و مراعات نمایند، بحث و مناظره‌ی آنان با رعایت شرایط آن و احتراز از آفاتی که بعداً ذکر خواهد شد، فواید و عواید سودمندی را به دنبال خواهد داشت.

مهمترین فایده‌ی مناظره، سویی‌ی آموزشی آن است. آموزش علوم مختلف، دین، عقاید، اخلاق، سیاست در مناظره از یک سو کلیه اطلاعات راجع به موضوعی جمع آوری می‌شود و از سوی دیگر با بیان آن منتشر می‌شود. اهمیت این آموزش‌ها نیز در آن است که چون بحث و استدلال می‌شود، در اذهان ماندنی است و به دلیل غیر مستقیم بودن، پذیرفتنی‌تر و جذاب‌تر است. ارزش بلاغی مناظره در حین پیام دهی غیر مستقیم آن است. همچنین مناظره عامل و انگیزه‌ی تمایل و گرایش افراد به علم و دانش است.



یکی دیگر از فایده‌های مناظره این است که محاسن و معایب مسئله یا موضوع مورد بحث آشکار می‌شود و در نتیجه امکان توسعه و تکامل آن فراهم می‌آید. همچنین مناظره به منظور بازیافتن دقیق مأخذ و اسناد علم و آگاهی صورت می‌گیرد. ذهن انسان از مجرای چنین مناظره‌ای، ورزیده شده و جان و روح آدمی نیرومند می‌گردد. و در پایان اینکه مناظره در ظهور مردم سالاری و آزادی بیان بسیار موثر است و با هیجان ذاتی خود می‌تواند انگیزه‌های مشارکت و سهیم شدن در جامعه را بهبود بخشد.

## اصول مناظره

آداب مناظره، مجموعه ضوابطی است که هنگام بحث و گفت‌وگوی فلسفی، علمی، دینی و اعتقادی باید مراعات شود. در جهان اسلام، گاهی به جای «آداب المناظره»، اصطلاح «آداب البحث» به کار رفته است. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۰۷). از آنجا که تبیین شرایط و آداب مناظره می‌تواند ما را در رسیدن به یک مناظره مطلوب و با مبانی درست یاری رساند، در ادامه به مهم‌ترین شرایط و آداب مناظره به گونه اختصار می‌پردازیم.

### الف) تبیین حقیقت و حقیقت جویی

از مهم‌ترین آداب یک مناظره پسندیده و مطلوب در اسلام، حقیقت جویی است. قرآن به مسلمانان می‌فرماید که به دور از جدال باطل و مذموم که در آن تنها بر پیروگی و غلبه بر خصم تمرکز یافته است، به سوی جدال احسن و گفت‌وگوهایی رو آورند که حقیقت برایشان آشکار شود (نحل، ۱۲۵). لذا در غیر این صورت مناظره جدال باطلی است که مومنان و خردمندان نباید به آن پردازند؛ زیرا انجام چنین گفت‌وگوهایی نه تنها موجب وحدت و اتحاد میان انسان‌ها نمی‌شود بلکه زمینه افزایش اختلاف و تنش نیز می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۸/۱۶). «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (عنکبوت، ۴۶). یکی از شرایط مجادله احسن این است که طرفین، علاقه‌مند به روشن شدن حق و یافتن آن باشند، و در نتیجه هردو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند، و لجاجت و عناد به خرج ندهند. لذا حق و حقیقت، گمشده هر فرد با ایمانی است که بدینسان باید در صدد پویایی از آن برآید (شهید ثانی، ۲۸۵). اساسا اسلام گروه‌گرا، و تفرقه

مناظره و امنیت ملی؛ کارکردها و چهارچوبها ۳۱

طلب نیست، بلکه به دنبال تبیین حقیقت است. آوای اسلام آوای وحدت است و تسلیم بودن در برابر هر سخن حق (مکارم شیرازی، ۱۶ و ۳/۱)

### ب) شرح صدر

حضرت موسی(ع) وقتی در آستانه مناظره با فرعونیان قرار داشت هم به شوکت و قوت قبطیان آگاه بود و هم به طغیانگری آنان. همچنین از ضعف و اسارت بنی اسرائیل در میان آل فرعون با خبر بود، و می دانست چقدر جاهل و کوتاه فکرند و همچنین با لکنتی که داشت، از پروردگارش درخواست کرد که برای حل این مشکلات سعه صدر به او بدهد تا تحملش زیاد شود (طباطبایی، ۱۴۵/۱-۱۴۶). «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه، ۲۵الی۲۸)

### پ) احترام متقابل

وقتی دو نفر (یا گروه) با اعتقادات و گرایشات مخصوص به خود مناظره می کنند، باید اصل را بر احترام متقابل به معتقدات یکدیگر بنا نهند، هرچند هر یک از آنها نزد خود دلیلی در ردّ مدّعی دیگری داشته باشد. آنان باید فقط در پی آشکارسازی حق و ارائه استدلال و منطق باشند و در جریان بحث باید به شدت از بی احترامی نسبت به آنچه برای طرف دیگر بحث محترم است پرهیز کنند. همچنین باید بدانند که آن دو تنها نیستند، بلکه طرف سوم در اینجا مطرح است و آن شنوندگان یا خوانندگان مباحث آنانند، از این رو دو طرف باید برای فهم و شعور گروه سوم نیز ارزش و احترام قائل باشند، و طوری بحث کنند تا آنان فرصت تأمل در دلایل و برهانهای هر یک از دو طرف را داشته باشند و داوری نهایی را به مخاطبان حق طلب واگذارند.

امام صادق(ع) در خلال مناظره با استفاده از واژه‌های مؤدبانه و احترام آمیز آنها را مورد خطاب قرار می داد. مثلاً هنگامی که زندیقی از مصر برای مناظره با حضرت به مدینه و بعد از آن به مکه آمده بود، حضرت او را چنین خطاب فرمود: «یا ابا اهل مصر»، ای برادر مصری (طبرسی، ۳۳۵/۲). بنابراین رعایت احترام به معتقدات مخاطب و پرهیز از ناسزا گویی و دادن

القاب نامناسب از آداب مهم مناظره به شمار می‌رود.

### ت) تبعیت از بهترین سخن

در مناظره باید طرفین بهترین سخنان را همراه با جذابیت بیان کنند و اگر با سخن بی پایه ای روبرو شدند در مقابل آن موضع مخالفت نگیرند. چنان که قرآن می‌فرماید: پس بندگان مرا بشارت ده!... همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند (زمر، ۱۷ و ۱۸). نشانه داشتن خرد و عقل پیروی از حق است، همچنان که تکمیل عقل نیز منوط به پیروی از حق است (مجلسی، ۱۳۷/۷۵).

### ث) بیان نرم و آرام

یکی دیگر از آداب جلب و جذب مخاطب در مناظره مخصوصاً در وهله نخست آن است که با تندى به عقاید و افکار شخص مقابل حمله نشود، بلکه با بیانی نرم و آرام کاری کرد تا نوعی همراهی را با سوی دیگر گفت و گو بیابد. اصولاً قراردادن شخص در حالت تدافعی موجب می‌شود تا از همراهی و پذیرش نظر و فکر طرف مقابل خودداری کند. از این رو نرمی می‌تواند شخص را از حالت موضع گیری به حالت فهم و تفاهم منتقل کند. خداوند متعال در قرآن خطاب به حضرت موسی(ع) و برادرش هارون(ع) می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه ۲۰، ۴۴). پس به نرمی با او( فرعون) سخن بگویند شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد! کلمه «تذکر» به معنای قبول یادآوری و التزام به مقتضیات حجت یاد آورنده و ایمان به آن است و کلمه خشیت به معنای مقدمه آن قبول و ایمان است. در جمله «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» تذکر و یا خشیت فرعون آرزو شده، و این امید، قائم به مقام محاوره و مناظره است نه به خداوند متعال چرا که خدا می‌دانست که فرعون نه متذکر می‌شود و نه می‌ترسد (طباطبایی، ۱۵۴/۱۴).

### ج) برهان درسخن

لازم است مناظره‌ها عالمانه و برپایه دانش شکل گیرد و دو طرف گفت و گو نسبت به

موضوع، از علم و آگاهی و براهین لازم و کافی برخوردار باشند؛ زیرا هدف از گفت و گوها و مناظره‌های پسندیده، واکاوی افکار و آراء، دست یابی به حقیقت، روشنگری و ایجاد تفاهم علمی و عملی است. بنابراین هرگونه گفت و گویی که براساس اما و اگرها، شایدها و گمان‌ها و گمانه زنی‌ها و مانند آن انجام می‌گیرد، گفت و گویی ناپسند است و نمی‌تواند ثمره‌ای برای دو سوی گفت و گو داشته باشد، بلکه حتی ممکن است اختلاف‌ها را تشدید کرده و به جای تفاهم و روشنگری، بر ابهامات و شبهات آن بیفزاید و آتش معرکه را نیز گرم‌تر کند. از نظر قرآن هرگونه مجادله و مناظره جاهلانه و به دور از علم و دانش، می‌تواند آثار مخرب و زیان باری را به جا گذارد و مسیر گفتگو را به سوی کفر و شرک و گمراهی بکشاند؛ (حج، ۳ و ۹؛ لقمان، ۲۰) زیرا بیان مطالب به دور از علم و دانش، تنها موجبات گمراهی مردم می‌شود و هیچ ثمره‌ای برای مناظره کنندگان به دنبال نخواهد داشت. البته دشمنان اسلام و حقیقت، از آن جایی که در فکر گمراهی مردم هستند از سخنان بدون برهان و علم بهره می‌برند و می‌کوشند تا با بیان مطالبی به دور از علم و دانش، مردم را به شبهه افکنند و راه حق را بر آنان ببوشانند چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ يَغَيِّرُ سُلْطَانَ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ...» (غافر، ۵۶). کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آنها آمده باشد ستیزه‌جویی می‌کنند، در سینه‌هایشان فقط تکبر (و غرور) است، و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید. جمله "إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ" در این آیه شریفه، علت مجادله ایشان را منحصر می‌کند در کبر ایشان، و می‌فرماید: عاملی که ایشان را وادار به این جدال می‌کند، نه حس جستجوی از حق است و نه شک در حقانیت آیات ما تا بخواهند با مجادله حق را روشن کنند، و حجت و برهانی هم ندارند، تا بخواهند با مجادله، آن حجت را اظهار بدارند بلکه تنها عامل جدالشان آن کبر است که در سینه دارند (طباطبایی، ۳۴۱/۱۷).

بنابراین گفت و گو و مناظره با چنین اشخاصی نادرست است و با سایرین نیز باید با سخنان مبتنی بر علم به مناظره پرداخت. در روایتی از قول زراره می‌خوانیم که از امام باقر(ع) پرسیدم: حق خداوند بر بندگان چیست؟ امام فرمود: این است که چیزی را که می‌دانند بگویند و در آنچه

نمی‌دانند توقف کنند (صدوق، ۴۲۰؛ کلینی، ۴۳).

## نتیجه گیری

مناظره و آزاد اندیشی با توجه به اصول و چارچوب‌های مطرح شده گامی بلند در راستای افزایش سطح آگاهی مردم است و روحیه وحدت، رقابت، تعهد، مسئولیت پذیری، مشارکت، مطالبه گری و نظارت بر عملکرد دولت‌ها را سبب می‌شود. آگاهی مردم در نظام‌های حکومتی همواره قدرتی پنهان است که توده‌ها را در راستای تحقق سیاست‌ها و تدابیر حکومت بسیج می‌کند، مشارکت مردمی و حمایت‌ها را به دنبال دارد و نقایص را بر طرف می‌کند و قدرت مانور دولت‌ها را در اجرای سیاست‌ها در ابعاد گوناگون بالا می‌برد. این موارد در ایجاد وثبات پایه‌های امنیت ملی کشورها تاثیر بسزایی دارد، چرا که امنیت در برابر تهدیدهای خارجی و داخلی نیازمند انسجام و استحکام درونی است.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقابخش، علی، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۳. امام خمینی، روح‌ا...، (۱۳۷۸)، صحیفه‌ی امام خمینی، تهران، مؤسسه‌ی حفظ و نشر آثار امام خمینی.
۴. بهزادی، حمید، (۱۳۶۹)، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، دهخدا.
۵. جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، «امنیت ملی در سیاست بین‌الملل معاصر»، بررسی نظامی، سال ششم شماره ۲۱.
۶. دال، رابرت، (۱۳۷۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، مرندیز.
۷. راش، مایکل، (۱۳۸۳)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
۸. سید رضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
۹. شهید ثانی، زین الدین ابن علی، (۱۳۸۹)، منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۰ق)، أمالی الصدوق، بیروت، اعلمی.

مناظره و امنیت ملی: کارکردها و چهارچوبها ۳۵

۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، نشر مرتضی، مشهد.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۴. طوسی، محمد علی، (۱۳۷۰)، «مشارکت در مدیریت و مالکیت»، تهران، فرهنگ نوین.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. کالینز، جان ام، (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کوروش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۱۷. کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۷۶)، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی، تهران، ققنوس.
۱۸. فصل‌نامه علوم سیاسی، (۱۳۷۷)، سال اول، شماره ۱، قم.
۱۹. علیخانی، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی، تهران، سفیر.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. ماندل، رابرت، (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. مصفا، نسرین، (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، وزارت امور خارجه.
۲۴. مجله فرهنگ مشارکت، (۱۳۷۵)، شماره ۹، تهران.
۲۵. مردم سالاری دینی، (۱۳۹۱)، جمعی از نویسندگان، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. نیکزاد، احمد، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی سیاسی: بررسی میزان مشارکت مردم در انتخابات شورای اسلامی شهر قم، نامه قم، شماره ۹، قم.
۲۷. دایرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۷۸)، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۲۸. Ayooob. Mohammad, (۱۹۹۵), cunited statd linne, The Third world security predicament, rinner publisher.
۲۹. lippman, Walter, (۱۹۴۳), *Us Foreign Policy: Shield of Republic*, Boston, Lihle Brown Andco.